



شادی برای حضور یک میلیون نفر در کنسرت‌های داخلی!

اینکه کسی برای حضور در کنسرت‌هایی که در داخل کشور برگزار می‌شود از خارج به ایران بیاید، اتفاقی مرسوم نیست. به‌خصوص در شرایط کنونی که پس از اتفاقات شهریورماه ۱۴۰۱، فضای رسمی برگزاری کنسرت‌ها همچنان در قبضه اهالی موسیقی پاپ است، آن‌هم گونه‌ای از موسیقی پاپ که می‌توان دست‌چند و نازل قلمدادش کرد. با این حساب وقتی خبر «ورود یک میلیون نفر به ایران از خارج برای حضور در کنسرت‌های موسیقی داخلی»، روی خروجی خبرگزاری ایرنا قرار گرفت، بسیاری با دیده تردید به آن نگریستند اما اعلام این خبر از سوی محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست تبیینی با اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه استان زنجان این تصور را ایجاد کرد که لابد باید درست قلمدادش کرد ولی طولی نکشید که ایرنا با انتشار صوت سخنرانی وزیر در زنجان صحبت‌های نقل شده از قول او را اصلاح کرد. این خبرگزاری بدون اطلاع‌رسانی در مورد اشتباه بودن خبر اولیه، به نقل از اسماعیلی نوشت: «برای حضور در اجراهای صحنه‌ای نوروز ۱۴۰۱ حدود ۴۰۰ هزار نفر از کشور خارج شدند اما سال گذشته طی یک‌ماه، یک میلیون نفر برای حضور در کنسرت در ایران شرکت کردند که تاکنون سابقه نداشته است.»



۱۲۰ سالگی مدرسه «فروغ رشت»

جشن ۱۲۰ سالگی قدیمی‌ترین دبیرستان دخترانه رشت که شامگاه شنبه ۱۶ دی‌ماه برگزار شد، بازدیدگر یادآور ضرورت حفظ این بنای تاریخی و هویتی رشت شد. مدرسه دخترانه «فروغ» که بعد از انقلاب به دبیرستان «۱۷ شهریورماه» تغییر نام داد، هرچند براساس مستندات سازمان میراث فرهنگی استان گیلان، در سال ۱۲۸۴ خورشیدی ساخته شده اما تاریخ پایه‌گذاری آن به موجب یادداشت‌های برخی از مورخان، سال ۱۲۸۲ خورشیدی است و به همین خاطر جشن ۱۲۰ سالگی آن برگزار شد. هرچند بنای مدرسه ماندگار «فروغ» از تغییر کاربری فرهنگی مصون مانده و به سرنوشت برخی دیگر از بناهای تاریخی دچار نشده، اما بودجه مرمت آن کافی نیست و به همین خاطر روند بهسازی آن به کندی پیش می‌رود. ضمن اینکه شنیده شده، براساس توافق آموزش و پرورش با اداره ارشاد قرار است بعد از مرمت به هنرستان موسیقی تبدیل شود که هرچند ظاهراً فعالیت فرهنگی و هنری است ولی عملاً وجه میراثی مدرسه را تحت الشعاع قرار می‌دهد و رفت‌وآمد زیاد مناسب یک بنای تاریخی نیست.



ایران اخوان ثالث درگذشت

ایران اخوان ثالث، همسر مهدی اخوان ثالث، درگذشت. عصر ایران ضمن اعلام این خبر نوشت، خانواده مهدی اخوان ثالث در اطلاعیه‌ای که در صفحه این شاعر فقید منتشر شده است، نوشته‌اند: «مادر با مهری سرشار، صبری ستودنی و تدبیری خردمندانه، مایه امید، پشت گرمی و ستون زندگی خانواده و پدر بود. با اینکه دست بی‌رحم گرفتاری‌ها و ناامیربانی‌های روزگار گریبانش را رها نکرد و داغ فرزند (لاله) را دید، همیشه امیدوار و پرتلاش بود و برای ما و اخوان خانه را تبدیل به محیطی امن، آسوده و سرشار از مهربانی کرد.» آن‌ها همچنین اضافه کرده‌اند: «برای پدرقش‌اش روز دوشنبه ۱۸ دی‌ماه، در قطعه ۲ بهشت‌زهر در کنار لاله گردهم می‌آییم.» مهدی اخوان ثالث، شاعر ایرانی چهارم شهریورماه ۱۳۶۹ در تهران درگذشت و پیکرش در آرامگاه فردوسی در توس دفن شد.



فرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

عمری ترانه

کارنامه شش دهه ترانه سرایی ایرج جنتی عطایی در سالگرد میلاد او

تمایز از ترانه‌های رسمی و سنتی شد و چه در ترانه‌های عاشقانه و چه در ترانه‌های سیاسی خود، جهان‌بینی جدیدی را ارائه کرد که از سویی ندای وجدان جمعی جامعه جوان و مدرن ایرانی بود و از سوی دیگر نجوای نقدی معترض به ساختارهای سیاسی را به گوش‌های حساس می‌رساند. بدین سان او در موفق‌ترین نمونه کارهای خود، شمالی از هنرمندی مدرن و عصیانگر را به تماشا گذاشت و بیش از آنکه هنر را به محمل ارائه تصویر انسانی، منزوی یا تسلیم محیط بدل سازد یا بکوشد کلام‌های کهن را در زورق زبانی نو بیچد، از انسانی مسئول و در عین حال برخوردار از حس و عاطفه و مهر و وطن رونمایی کرد که در خیل «شب‌دها» و در هنگامه‌ای که «چراغا خوابیده بودن شعله‌شونو باد برده بود» قلبش او را بدین رسالت رهنمون می‌کرد که در «رگ یخ‌بسته شب»، «نبض چراغ» باشد، «رو سایه‌های یخ‌زده دست نوازش» بکشد و «تگرگ» را با «اقاقیا»، «آشتی» بدهد.

افت و خیز ترانه ایرج با بالا و پایین آنچه بر وطن و مردمان ایران می‌گذرد پیوند می‌خورد اما و رای همه تفاسیر و منازعه‌های سیاسی، و حتی اگر با جهان‌بینی او موافقتی نداشته باشیم، ترانه و ادبیات او تاثیر شگرف خود را بر نگاه و ادبیات کارورزان جوان ترانه بر جای گذاشته و می‌گذارد و اینک پس از شش دهه جوشش و کوشش، نگرسیستن به راه درازی که او در ترانه پیموده و نقد و بررسی کارنامه هنری او، ضرورتی دوچندان دارد؛ باشد که بدین طریق امیدوار بود آینه‌ای خوش تر و والاتر برای ترانه فارسی رقم بخورد.

۱۹ دی‌ماه ۱۳۲۴، زادروز میلاد ایرج جنتی عطایی است؛ شاعر، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتری که نام او بیش از هر چیز با موسیقی پاپ و موج نوی ترانه ایران پیوند خورده و بعید است کسی با ترانه‌های ماندگار او، از «قصه وفا» تا «یاور همیشه مؤمن»، از «پل» تا «پرندۀ مهاجر»، از «قصه گل و تگرگ» تا «ستاره‌های سربی»، از «چکاوک» تا «شب نیلوفر» و... خاطره‌ای نداشته باشد. موج نوی ترانه همگام با موج نوی سینما، و از پس شعر نوی نیمایی، و متأثر از تحولات عمده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که در ایران این دوران رخ داد، در اواخر دهه ۱۳۴۰ بالید و در این نشو و نما، ایرج در کنار شهیار قنبری، اردلان سرفراز، زویا زاکاریان، مسعود امینی، فرهاد شبیانی و... زبانی نو با نگرشی نوین را به موسیقی پاپ ایرانی تقدیم کرد. در این رویکرد تازه، جدا از ابداعات ساختاری و زبانی، محتوایی اجتماعی و سیاسی نیز ظاهر شد و در این خلق خارق‌العاده، ایرج یکی از مؤثرترین‌ها بود؛ ترانه‌سرایی که در مسیری پیش‌رونده و همراه با کاروانی از آهنگ‌سازان و تنظیم‌کنندگان و خوانندگان جوان و جسور، پیشتاز عرضه آثاری

یه قطره دریا

مروری بر کارنامه ایرج جنتی عطایی در سه دهه نخست مهاجرت

جانم، نذار از خودبه خاکستر بریزم / کنار من که «وا می‌باشم» از هم، تحمل کن تحمل کن عزیزم». یاد جایی دیگر: «دلبرکم چیزی بگو به من که گرم حق‌هقم / به من که «آخرینه‌ای آواره‌های عاشقم» و آگاهی با قاعده کاهی نحوی، ساختی تازه به زبان پیشنهاد می‌دهد: «کسی از من تو رو پرسید و من از تو، خبر خاکستر آینده موادم» و گاهی استاندانه واژگان دیگر زبان‌ها را در زبان ترانه خود حل می‌کند: «بلیط یکسره، پاسپورت بی‌وزا و ترمینال / منو «چک این» پروازی به اسم مرگ در تبعید» و نیز «تمام عشق رو به واپسین حس، روی سکوت پر جنجال بارون / چه واژه واژه سرنگون شد، تو «اسلوموشن» گنگ خیابون.»

۴ دوره ایرج

با نگاهی گذرا به لیست باالبلند آثار منتشرشده ایرج، با مقداری تساهل - و لحاظ کردن زمان تولید تا انتشار ترانه‌ها - می‌توان سال‌های ترانه‌سرایی او را به چهار دوره کلی تقسیم کرد:

دوره اول: همکاری‌های سال‌های میانی دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ با الهه، عارف، ضیا، کیتی، ویگن، سلی، گوگوش و... که حتی اگر گاهی هنجاری‌ر می‌شکستند یا سعی در پرداخت یا تألیفی خلاقانه داشتند، از حیث درون‌مایه یا هماهنگی محتوا و فرم، چندان آثار پیشرو یا چشم‌گیری به شمار نمی‌آیند. «خواستگار» با اجرای مشترک ویگن و رامش یا «عمو زنجیرباف» با صدای رامش از این دسته‌اند. **دوره دوم:** همکاری‌های یک‌بازه پرثمر حدوداً ۹ ساله او با آهنگسازانی چون بابک بیات، واروژان، فرید زلاند، پرویز مقصدی و... طی سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ که منجر به تولیدده‌ها اثر ماندگار، پیشرو و ارزشمند در تاریخ موسیقی پاپ ایران شده و به گمان اغلب منتقدان دوران بالندگی و بلوغ هنری ترانه جنتی عطایی است، سقف، پل، بن‌بست، سایه و... همگی حاصل آفرینشگری‌های او و همکاریانش در این دوره هستند.

دوره سوم: دوره همکاری‌های طولانی مدت پس از مهاجرت ایرج، با فرید زلاند، سیاوش قمیشی، آندرانیک و... طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۴ (پایان همکاری با خواننده‌های طراز اول موسیقی پاپ)، است که آلبوم‌های «ستاره‌های سربی»، «شب نیلوفر» و «راه من» حاصل این دوره‌اند.

دوره چهارم: ۱۳۸۴ تاکنون که دوره همکاری با خوانندگان یا آهنگسازانی جوان‌تر از جنتی عطایی است. آثار منتشرشده با صدا و موسیقی بیژن مرتضوی (با این توضیح که آلبوم «یه قطره دریا» ۱۳۸۲ منتشر شده است)، مهرداد آسمانی، توکا، فرهاد بشارتی، مجید کاظمی، گلشیفته فراهانی و... در این دسته قرار می‌گیرند و در بخش اعظم آن‌ها جنتی عطایی فضای زبانی و روایی نسبتاً تازه‌ای (در قیاس با آثار پیشین خود) در پیش گرفته است. این آثار از حیث اجرا و گاهی حتی از حیث کلام، به پای موفقیت‌های چشمگیر همکاری‌های او با خوانندگان طراز اول هم‌دوره خود، نمی‌رسند. البته بخشی از این عدم‌موفقیت نیز برآمده از تفاوت توانمندی و جایگاه خوانندگان یادشده در قیاس با ابرستاره‌هایی چون گوگوش، ابی و داریوش، نزد مخاطبان ترانه است.

محتوای ترانه‌های دوره سوم

این متن در ادامه می‌کوشد نگاهی گذرا به محتوای ترانه‌های جنتی عطایی در

دوره سوم داشته باشد:

الف- ترانه‌های اجتماعی: ترانه‌های اجتماعی او در این دوره به ۴ دسته کلی تقسیم‌بمی‌شوند:

۱- **ترانه‌های روایتگر / نظاره‌گر:** که طی آن‌ها شاعر با افسوس یا خشم روایتی را نقل می‌کند و به همین روایتگری نیز بسنده می‌کند: «با شما آیندگانم ای جهان‌سازان خشنود / ای برابرهای فردا قرن ما قرنی چنین بود» یا «وقتی تو نباشی، من به من مشکوکم، به هر گل به هر سایه روشن مشکوکم / مشکوکم به اشک کبوتر مشکوکم، مشکوکم به خواب خاکستر، مشکوکم».

۲- **ترانه‌های اعتراضی:** دسته دیگر ترانه‌های اجتماعی او در سال‌های ابتدایی این دوره، ترانه‌هایی اعتراضی هستند که شاعر هم‌تباران خویش را به فریاد کشیدن و نعره زدن درد جمعی شان دعوت می‌کند: «اگر سرخورده از خویشم من مغرور دشمن شاد / برای فتح شهر خون تو را کم دارم ای فریاد یا «نعره کن ای سرزمین جان سپردن، نعره کن».

۳- **ترانه‌های امیدوار:** این آثار نوید آینده‌ای روشن می‌دهند یا دعوتی به سوی آینده‌ای روشن دارند. رای نمونه ترانه «میعادگاه» (که سه اجرای ناموفق با صدای راد، داریوش و فرهاد بشارتی دارد) و در آن می‌خوانیم: «میعادگاه ما، انسان و آبادی / تاریخ آینده، میدان آزادی» یا «هزوم می‌شه قربانی این وحشت منحوس نشد / هزوم می‌شه تسلیم شب و اسیر کابوس نشد» یا «رو تن سخت در ختا، بنویس و دوباره بنویس / که شکست یک شقایق، مرگ گل، مرگ بهار نیست.»

۴- **ترانه‌های مهاجرت:** ایرج در دوره چهارم در همکاری با مجید کاظمی و در آلبوم «ایزوله» به‌طور ویژه به موضوع مهاجرت / تبعید پرداخته است اما در دوره سوم کاری نیز او ترانه‌هایی دارد که در آن‌ها از زبان یک مهاجر / تبعیدی به روایتگری می‌پردازد، ترانه‌های «پرسه»، «با من از ایران بگو»، «مرا به خانه‌ام ببر» و «زیبای در زنجیر» از این دسته‌اند و در آنها چنین می‌خوانیم: «هجوم لرزه و رگبار، من و عربانی غربت / گذار پشت سر مهلک، پناه پیش‌رو وحشت»، «برام از خاطره سنگری بساز، بید بن‌بیشه، روشن بادمی بره / نسل بی‌گذشته رو خاک غریب مثل شخم کهنه از یاد می‌بره».

ب- ترانه‌های عاشقانه: دسته دیگر ترانه‌های جنتی عطایی، ترانه‌های عاشقانه او هستند که به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند.

۱- ترانه‌هایی که از غیاب معشوق می‌گویند: «می‌شکمم بی تو و نیستی، به سراغم نمیایی که ببینی / بی تو می‌میرم و نیستی تو کجایی تو کجایی که ببینی»، «لحظه در لحظه نادیده، لحظه‌های من بی تو / تجربه کردن مرگه زندگی کردن بی تو».

۲- ترانه‌هایی که از حضور معشوق می‌گویند: «تو اینجایی بگو که شسته ستاره / بگو شب تادلمش می‌خواد ببار»، «دقیقه‌ها غزل می‌گن وقتی سکوت می‌شکنی / فنا را عاشق می‌شن وقتی تو حرف می‌زنی».

۳- ترانه‌هایی که فارغ از حضور / عدم حضور معشوق به ستایش عشق می‌پردازند و برخی شان از لطیف‌ترین ترانه‌های زبان فارسی به شمار می‌آیند: «برای گلگون دستات یه سبد رازقی دارم / بهترین قلبو تو دنیا، برای عاشقی دارم» و «لب‌خنده تو جانمو مغلوب رویا می‌کنه / انگار جهان و میسته و ما رو تماشا می‌کنه.» مخلص کلام آنکه نام ایرج جنتی عطایی، اعتبار ترانه و موسیقی معاصر ایران است، پرداختن به خصوصیات و ظرایف زبانی ترانه‌های او کاری بایسته است که مجالی وسیع‌تر و نگارش دقیق‌تر می‌طلبد. آنچه نگاشته شد، فقط قطره‌ای است از دریای رنگین ترانه‌های او!

نگاه منتقد / ۱



محمد نویری
ترانه‌سرا و منتقد ترانه

۱۹ دی‌ماه، زادروز ایرج جنتی عطایی است، قله رفیع ترانه‌ی فارسی و از پیشگامان مسیر درخشانی که با عنوان «ترانه‌ی نوین» از آن یاد می‌شود. او با تکیه بر زبانی فخیم و استوار، با لحنی صمیمی و در عین حال حماسی، شیوه‌ای خاص از ترانه‌نویسی و روایتگری را (در تألیفات خود، به‌عنوان زبان و سازوکار شخصی) پیش گرفت که بستری شد برای خلق برخی از ارزشمندترین و خوش‌عبارترین آثار هنری دوران معاصر.

خالق خوش‌ساخت‌ترین ترانه‌های روایی فارسی

با احترام به کارنامه رشک‌برانگیز شهیار قنبری، زویا زاکاریان و اردلان سرفراز، به‌گمانم جنتی عطایی خالق خوش‌ساخت‌ترین ترانه‌های روایی فارسی است؛ ترانه‌هایی با طر حواره‌هایی به‌اندازه و خوش‌ساخت، میزانسن‌هایی دقیق، بیانی موجز و لحنی هنرمندانه. کافی است ترانه‌های «درخت»، «بن‌بست»، «خونه» و «ماه‌پیشونی» را یک‌بار دیگر در ذهن مرور کنید.

آثار ایرج از حیث درونمایه، صدای راستین زمانه خود هستند (دست‌کم، دهه‌های متمادی این خصوصیت را داشته‌اند)، گاه زبان گویای اجتماع‌اند (بن‌بست، جنگل، هم‌غصه)، گاه واگویی‌هایی شخصی (خاکستری، کندو، برادر جان)، گاه از زبان زنی خاندان روایت می‌شوند (لشیزخونه، هم‌خونه) و گاه زبان حال مردی عاشق پیشه‌اند (خاتون، خورجین، شب‌خون). او با تکیه بر تجربیات همین طیف وسیع از شخصیت‌پردازی است که این گونه ملموس آینه رویه‌روی تناقضات و تمایزات طبقات اجتماعی می‌گیرد (پرندۀ مهاجر)، به مسئولیت‌های اجتماعی جامعه تاکید می‌کند (به من چه، بگو آره، بگو نه) و از عمق جان‌راوی مهاجر ترانه «از ماه تا ماهی»، از پس هزاران دغدغه‌ودل‌مشغولی، دست‌پرسش بر می‌آورد که «کجای قبیله‌مادر بزگورد کنم از مرز؟» توجه‌شمارا به دقت و ظرافت انتخاب «مادر بزرگ» در بستر همین مصرع جلب می‌کنم که خود اشاره‌ای ضمنی به سن فرد مهاجر، خاستگاه اعتقادات مذهبی خانواده‌ها و شدت بازمندی رده‌های سنی و نسل‌های مختلف به این مقوله دارد. ترانه‌های ایرج، مملو از چنین ظرایفی است که پرداختن به آنها مستلزم داشتن مجال و مقال جداگانه‌ای است.

پیشنهاد‌های تازه‌زبانی

زبان ایرج در ترانه‌ها، یکدست و خوش‌آهنگ است؛ توجه‌وسواس‌گونه او به هم‌نشینی و هم‌آوایی واژگان، کم‌تغییر است: «سر وعده‌گاه ریتم و رنگ و رقص و روشنی / جای ترس نه! جای شک نه! جای تونه! جای جاست». او علاوه بر ترکیب‌سازی‌های معمول و بهره‌گیری از امکانات زبان خودکار، گاه دست به قاعده کاهی واژگانی می‌زند و واژه‌ای تازه خلق می‌کند: «نذار از رفتنت و بیرون‌شه